



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۱/۰۹/۱۹

نویسنده: بهادرا کومار  
مترجم: رسول رحیم

## تصمیم بیستمین نشست سران سازمان همکاری شانگهای در مورد افغانستان

منبع: اندین پنچ لاین ۱۷ سپتمبر ۲۰۲۱

یادداشت مترجم: هدف اصلی تمام نوشته ها و ترجمه های من، جلوگیری از کشتار بی موجب بیشتر هموطنان بلا کشیده ام، کمک به تفاهم واقع نگرانه در بین افغان ها در جهت قطع جنگ چهل و اند ساله و رسیدن به یک صلح عادلانه و پایدار در زادگاه عزیزما افغانستان است. از نگاه من بدون اعاده حاکمیت و استقلال کشور، تامین عملی دموکراسی با همه ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی اش، بدون برقراری روابط نیک با همسایگان و بدون تضمین بین المللی بی طرفی افغانستان این اهداف بر آورده شده نمی توانند.

بیرون رفتن نیروهای منظم ایالات متحد امریکا از افغانستان، از نظر من یک «ستراتیجیک تراکشن» بود، یعنی واشنگتن بدون آن که یک لحظه اهداف استراتژیک اصلی از حضورش در افغانستان، یعنی مهار قدرت روز افزون چین و روسیه را در بوته اغماض و فراموشی قرار دهد، در مورد چگونگی مصارف این جنگ، اتخاذ شیوه جدید و از نگاه خودش مناسب جنگ در این خطه تجدید نظر نمود. این شیوه های جدید جنگی به عوض «جنگ ضد ترور» اعلام شده در سال ۲۰۰۱ که متضمن صرف هزاران میلیارد دالر و توظیف ده ها و صدها هزار سرباز منظم امریکا و متحدانش در افغانستان بود، دو نوع دیگر جنگ را بر می گزیند که خطرات و هزینه کمتری دارند. یکی از آن ها «جنگ ترکیبی» است، که عمدتاً شامل پخش اطلاعات جعلی، اقدامات دیپلماتیک و راه اندازی عملیات های تخریبی با پرچم دروغین است و دیگری «جنگ الگوریتمیک» می باشد که عبارت از استفاده از ابزار جنگی با تکنالوژی پیشرفته و از راه دور است. با همه تبلیغات بی پایه ای که در جریان اشغال کشور توسط ایالات متحد امریکا و متحدانش در ناتو و بیرون از ناتو، سعی می نمودند، «جنگ ضد ترور» شان را جنگی برای «دولت سازی» و «ملت سازی» و ایجاد یک جامعه مرفه و باز در افغانستان جا بزنند، این استراتژی با شکست های جبران ناپذیری رو به رو شد و تا بدانجا که دیگر رهبران ایالات متحد امریکا از روی ناگزیری این اهداف را به نابودی القاعده و کشتن بن لادن محدود می سازند. شواهد نشان می دهد که ایالات متحد امریکا در جنگ ضد ترور به گفته استاد داکتر حکیم نعیم هردو جناح حکومت و مخالفان را تا بدانجا تقویت می نموده است که یکی بر دیگری نتواند غلبه حاصل کند. باز هم به گفته دانشمند مذکور در طی این مدت همه جنگ سالاران گردن کشی که اقتدار حکومت مرکزی را به چالش می کشانند، غالباً با مقامات امپراتوری رابطه داشتند و این حق مخالفت با مرکز را کمایی نموده بودند. آخرین مورد آن، بالا بردن شان دیپلماتیک گروه طالبان می باشد که از طریق واگذاری سرنوشت کشور به آنها زیر عنوان توافق صلح و نادیده گرفتن حکومت رسمی و هم پیمانش در کابل بود. تازه ترین آن کمک به عروج سریع و اسرار آمیز طالبان تا رسیدن به ارگ است. طالبان که نه در دهه نود و نه اکنون چیزی جز یک گروه جنگی فاقد دورنمای روشن و تعریف شده برای دولت سازی نبوده اند، در طی چندین هفته از به قدرت رسیدن شان در کابل نتوانسته اند و بدون تردید به اتکای نیروی خود شان نمی توانند هیچ کار برای دولت سازی انجام بدهند.

اکنون دیگر در بیشترین تحلیل های جدی در ایالات متحد امریکا جای «جنگ ضد ترور» را «جنگ بی پایان» گرفته است. خطر جدی وجود دارد که هرگاه روشنفکران، نخبگان و مردم افغانستان با شکیبایی و خونسردانه تصمیم های جدی نگیرند، جنگ بی پایانی هستی انسانی و مادی کشور ما را نیز ببلعد. اعتراضات بخش های مختلف مردم به ویژه زنان شجاع و افتخار آفرین در درون کشور و تظاهرات بی سابقه و دوامدار دیاسپورای افغانی در سرتاسر جهان علیه ارتجاع خشن طالبان سزاوار هرگونه ستایش و افتخار است. در حالی که ما باید به مقاومت و مقاومت مدنی علیه مواضع قرون وسطایی طالبان ادامه بدهیم، در حالی که همه اقوام افغانستان باید در عمل از حق رسیدن به مقامات سیاسی کشور از صدر تا به ذیل مساویانه برخوردار باشند، لازم است در شرایط

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنی زې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رایرلو مخکې په خیر و لولئ

حساس کنونی با تامل و خونسردی نهایت زیاد از هرگونه کردار و گفتاری که اتحاد مردم را برهم زند خود داری نمایم و به هیچ بیگانه ای فرصت ندهیم که جلو استراد حاکمیت ملی، استقلال، دموکراسی، عدالت اجتماعی و تضمین بین المللی بیطرفی کشور ما را بگیرد.

## تصمیم بیستمین نشست سران سازمان همکاری شانگهای در مورد افغانستان



سازمان همکاری شانگهای نمی خواهد فرودست «کواد» یا نشست سران امریکا، هند، استرالیا و جاپان باشد. همان طور که انتظار می رفت مساله افغانستان نقطه محراقی را در مذاکرات بیستمین نشست سران سازمان همکاری شانگهای تشکیل می داد که روز جمعه در دوشنبه برگزار شد. با اینهم، اعلامیه سازمان همکاری شانگهای در این مورد ناکافی است.

در یک سند ۸۳۰۰ کلمه ای که در این مورد انتشار یافته است، به دشواری ۱۷۰ کلمه به اوضاع افغانستان اختصاص داده شده است. اعضای کنفرانس همکاری شانگهای سه نکته بی محتوا را مورد توجه قرار داده اند. \* حمایت از ظهور یک افغانستان به مثابه « یک دولت مستقل، بیطرف، متحد، دموکراتیک و صلح آمیز، فارغ از تروریسم، جنگ و مواد مخدر»

\* اعتقاد بر این است که « یک حکومت فراگیر (در افغانستان. مترجم) نهایت مهم است، و \* مهم می دواند که جامعه بین المللی « تلاش های فعال» برای تسهیل برگشت مهاجران به کشور شان به عمل آورد.

کوه موش زاید! موضع کنفرانس همکاری شانگهای بر اساس تصامیم اجماعی است و با توجه به چنین دوری بزرگ دیدگاه های کشورهای عضو، رسیدن به یک اجماع دشوار بود، این یک ضعف و شکست برای سازمان همکاری شانگهای است تا بدانجا که چیز اندکی برای گفتن دارد و حتی کمتر از آن، نتواند به حل یگانه بزرگ ترین بحران در ثبات و امنیت منطقه کمک کند، که در کل تاریخش با آن رو به رو بوده است.

چنین امری چه گونه اتفاق افتاد؟ پاسخ کوتاه این است که هند خواست تکاور تنهایی باشد که بر آسیاب بادی سازمان همکاری شانگهای بتازد (به عبارت دیگر وقت و انرژی اش را به مساله ای متمرکز گرداند که اهمیت واقعی ندارد. مترجم). مودی صدراعظم هند، در ۱۶ و ۱۷ سپتمبر سخنرانی های آشتی ناپذیری نخست در اجلاس سران سازمان همکاری شانگهای در مورد «آینده سازمان همکاری شانگهای» و به دنبال آن سخنرانی دوم در نشست مشترک «سازمان همکاری شانگهای» و « سازمان پیمان امنیت دستجمعی» داشت که به صورت خاص وقف انکشافات در افغانستان شده بود.

مودی تاکید نمود که « انتقال قدرت در افغانستان بدون مذاکره سیاسی صورت گرفته است» و بنابراین، « سوال قابل قبول بودن نظام جدید را مطرح می نماید.» وی عملا مشروعیت حکومت طالبان را مورد سوال قرار داد. مودی سفارش نمود که «و بنابراین، لازم است که تصمیم برای شناسایی یک چنین نظام توسط جامعه جهانی به صورت دستجمعی و پس از اندیشه مناسب اتخاذ شود. هند از نقش مرکزی ملل متحد در این مورد حمایت می کند.»

در اساس مودی از سازمان همکاری شانگهای تقاضا نمود که خود را در شورای امنیت با حرکات تحت رهبری ایالات متحد امریکا هم آهنگ بسازد. هرگاه صاف و ساده گفته شود، به این معنی است که سازمان همکاری

شانگهای باید بعد از «کواد» (نشست چهار کشور ایالات متحد آمریکا، هند، استرالیا و جاپان) ویولون بنوازد که این گروه نیز در ۲۴ سپتمبر در واشنگتن اجلاس دارد و انتظار می رود که مساله افغانستان یک موضوع کلیدی دستور جلسه شان باشد. در عین روز، پیش از آنکه اجلاس کواد برگزار شود، رئیس جمهور بایدن با مودی ملاقات دارد. با اعلامیه دوشنبه، واشنگتن یک نفس راحت خواهد کشید. در عمل هند مانع آن شد که سازمان همکاری شانگهای کدام نقش جسورانه در مورد افغانستان ایفا نماید و البته این امر برای ایالات متحد آمریکا فرصت و فضایی ایجاد نمود تا استراتژی خود را جلو ببرد.

استراتژی سنجش شده ایالات متحد آمریکا در برابر طالبان با هدف ورود مجدد ایالات متحد آمریکا به صحنه افغانستان است تا «پنتاگون» یا وزارت دفاع و «سی آی ای» یا سازمان استخبارات مرکزی ایالات متحد آمریکا بتوانند «استراتژی رقابت» با روسیه و چین و بی ثبات گرداندن ایران را دنبال کند. واشنگتن بر طالبان فشار می آورد تا بدانند که بدون تصویب آمریکا آینده ای ندارد، در صورتی که ایالات متحد آمریکا نتواند اراده اش را جلو ببرد، تایید خود را از آن ها دریغ می ورزد و زندگی را بر حکومت طالبان جهنم می گرداند.

طبق تخمین ایالات متحد آمریکا طالبان علاقه مند یک رابطه «بُرد- بُرد» (بُرد دو جانبه یا متقابل. م) با واشنگتن می باشند. بر مبنای چنین پیش زمینه ای است که ایالات متحد آمریکا به سازمان همکاری شانگهای همچون یک «اخلال گر» می نگرد.

با اینهمه نه اعلامیه دوشنبه حرف آخر است و نه می توان سازمان همکاری شانگهای را گروگان باج گیری ساخت. در حاشیه نشست سران سازمان همکاری شانگهای، چهار کشور عضو آن- چین، روسیه، پاکستان و ایران - قبلاً گرد هم آمدند تا برای بذر دیگری شخم بزنند. وزیران خارجه این چهار کشور به طور جداگانه ای در ۱۷ سپتمبر در دوشنبه ملاقات کردند. جالب آنست که این گروه مرکزی اعلامیه مشترکی انتشار دادند که نشان می دهد این ابتکار خلق الساعه نبوده است.

این اعلامیه مشترک بر اصل مرکزیت (عمده بودن. مترجم) حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی افغانستان و اصل (توافقات. مترجم) «به رهبری و با مالکیت» افغان ها تاکید می نماید. این به طور عام رد هر نوع مداخلات یک جانبه ایالات متحد آمریکا در افغانستان می باشد.

اتفاقا انتونی بلینکن وزیر خارجه ایالات متحد آمریکا در این هفته در یک نشست استماعی کانگرس آمریکا در واشنگتن افشا نمود که اداره بایدن «عمیقا» مصروف مباحثات با هند، برای تسهیل حملات برنامه ریزی شده بر اهداف افغانی است که «که در آینده نزدیک» به اجرا در خواهد آمد.

این تبنای ایالات متحد آمریکا و هند برای عملیات در افغانستان، موجب ناراحتی هایی در منطقه شده است. عمران خان صدراعظم پاکستان با امام علی رحمان رییس جمهور تاجکستان ملاقات «طولانی» داشته است که بعدا به کانال «راشیا تودی» روسی گفته است که او در حال کار کردن با همسایگان افغانستان است تا معین گردد که دستگاه موجود در کابل برای به رسمیت شناخته شدن توسط جامعه بین المللی چه می تواند انجام بدهد.

عمران خان خاطر نشان نمود که به رسمیت شناختن حکومت طالبان قدم مهمی خواهد بود. او با صراحت قاطعی در مورد خطر آنچه از دست رفتنی است صحبت کرد و گفت: «من فکر می کنم یگانه انتخابی که باقی مانده است، تشویق طالبان و ترغیب آن هاست به وفاداری به وعده ها و اعلامیه هایی که آن ها در مورد یک حکومت فراگیر (همه شمول) ، در مورد حقوق بشر و در مورد عفو همگانی صادر نموده اند.» او گفت: «امید است اگر این کارگر افتد، شما برای نخستین بار در ۴۰ سال در افغانستان صلح داشته باشید.»

اما هند به افکار و نظرات دیگر توجه نمی کند ، زیرا طالبان را دوست پاکستان و چین می شمارد. به زبان استراتژیک ، هند منافع اش را بیشتر در برگشت ایالات متحد آمریکا به جیو پولتیک افغانستان برای ایجاد یک ضد وزنه علیه پاکستان و چین می بیند.

اما موضع هند در تضاد با راهیافت از بیکستان و قزاقستان قرار دارد که هر دو بزرگ ترین دولت های آسیای مرکزی نیز می باشند. شفقت میر ضیایف رییس جمهور از بیکستان در نشست سران سازمان همکاری شانگهای در دوشنبه گفت:

«یک واقعیت جدید ظهور کرده است و آدم های نوی به قدرت رسیده اند. این یک عمل انجام یافته است. بنابراین، لازم است تا یک راهیافت هم آهنگ شده را در رابطه به اوضاع افغانستان به وجود آورد و همچنان با مقامات جدید گفت و گو کرد.»

قاسم جومارت توقایف رییس جمهور قزاقستان نیز عین نظر را حتی با لحن قوی تر بیان داشت. او گفت: «کشورهای عضو سازمان پیمان امنیت دستجمعی و سازمان همکاری شانگهای، باید گفت و گوهای غیر رسمی را با مقامات جدید افغانستان راه اندازی کنند. این ارتباط ها امکان ارزیابی نیات واقعی طالبان را فراهم ساخته و درک مشترکی از تهدید ها به ثبات منطقی به وجود آورده و روابط تجاری و اقتصادی را با این کشور احیا نماید.»

غير محتمل است كه خط سرخ تعيين شده توسط دهلي موجب محدوديتي براي كشور هاي منطقه در جهت يك تعامل سازنده با حكومت طالبان گردد. سازمان پيمان امنيت دستجمعي به رهبري مسكو براي توظيف (نيروهاي) در مرز بين افغانستان و تاجكستان در حال افزايش آمادگي هايش مي باشد. در حالي كه براي دهلي اين (اظهارات صدراعظم هند در دوشنبه . مترجم) يك «نمايش ساپه ها» مي باشد، براي كشورهاي منطقه منافع اساسي امنيت ملي شان مطرح بوده و راه اندازي كار زار سياسي آخرين چيزي است كه در ذهن آن ها خطور مي كند.

---

د پايو شميره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همكاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه كړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

يادونه: دليكني د ليكنيزي بني پازوالي د ليكوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليكنه له راليرلو مخكي په خير و لولئ